

کز ستر معرفت که شوی لفظ کلامی بر سر بوی



بسم الله الرحمن الرحيم

هر دل که در هوای توبیت مجال یافت
 عشای خست و جهان پیر یال یافت
 هر جان که در بلای ولایتش گرفت این
 از غمت و غم دو عالم لال یافت
 ادب خدمت درش آنرا میراث
 کوز ادب را بوی و شام یافت
 هر مدد که کرد در درک کمال رو
 نهاده امقده در کات صبا یافت
 عقل بخان کشیده چون زین طرب
 عمری بسر دیده با نر خال یافت
 جبریل با تکی شمع جال رو
 پروانه دله سوخته بی پروا یافت
 ای منی که نطق تو شش بر ای راه
 در غمت تو خوردنک و لال یافت
 یک تره از لولوع نورست غزاله برد
 یک شه از رایج صفت غزال یافت
 بوی ز کرد و دامن لطفت و مال رخ باغ
 در حجب و استصباح و جمال یافت
 هر شتاب که رفت غزوت تو هفت
 نه دل شغف و بیرون لغف زوال یافت
 بر طراعت لرنی لغت آفتاب
 یک تره از زنجی شمس و جمال یافت
 در ملک حرمت در می سلی از آسمان
 یکو شته از ولایت جبه و جمال یافت

کتابخانه
موزه و مرکز اسناد
سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

بسم الله الرحمن الرحيم

عشق خزان باغی و بزم اودی بی و مانی و می و شام
 نی که هر دم نغمه ای
 این چند طریقت بعضی مشور و بعضی مطوم و سلم
 صدق نیت و جلال طریقت منوم در بیان دل و
 حکایت و حکایت می که در هیچ شوی خبرت و شوی
 که کاشف اسرار مغیبت و قیام ایام در تو شوی
 بران ساقی جملها همه حضرت من حق باله و باله
 و المراد بالعباده در ستمنا خدمت کسرت من فار با

از آن کجاست این حکایت شوی
 است و آن در زبان بسوی
 شصت و شصت و شصت
 خود و سرور و جلال این
 در سواد و در بیان
 کجا است
 بیت بیرون در زبان

Copyright © King Fahd University